

# بازگشایی دانشگاهها...

## ارتجاع یورش سرتاسری بر دانشگاهها آورده

### وقتها در همان سطح شکست پذیر است

حسن حبیبی مریخی و بستری کردید. جوادبا - هنر مناور شمس الملوک صاحب وزیر آموزش و پرورش در رژیم شاه، ابتدایه وکالت مجلس و سپس به پست وزارت آموزش و پرورش ارتقاء یافت. ریاستی به عضویت شورای عالی قضایی درآمد. "ستاد انقلاب فرهنگی" اما برای پی گیری امر تخریب دانشگاهها از قبل چاره ای لازم را انبشیده و ارگان خود ساخته ای بنام "جهاد دانشگاهی" را تدارک دیده بود. "جهاد دانشگاهی" در ماه های گذشته عملاً مسئولیت اداره ی دانشگاهها

اجرای طرحهای تخریبی را بعهده داشته است. "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهاد دانشگاهی" در ماه های گذشته موفق نشده حتی یک طرح کلی، نیم بند و ناقص برای "انقلاب" نامیون خود تنظیم کنند. آنچه انجام شده، تصفیدی اعتبار مترقی در دانشگاهها، تخریب آزمايشگاهها و کتابخانه و انحلال تعداد بیشماري از مؤسسات آموزشی بوده است. طرح "ادغام دانشگاهها"، عملاً بصورت طرح انحلال آنها درآمد. زیرا در نتیجه ی بررسی های "جهاد دانشگاهی" عناصر "مکتبسی" کمتر از یک درصد دانشگاهیان را تشکیل میدهند. و باز چون امام است معتقد است که:

"ما به یک نظر وسیعی به همه ی دنیا و به همه ی دانشگاههایی که در دنیا هست بیندازیم، تمام این مصیبتهایی که برای بشر پدید آمده است ریشه اش از دانشگاه بوده، ریشه اش از این تخصصهای دانشگاهی بوده، ... خطر (دانشگاه) از بام (بمب) خوشه ای هم بالاتر است."

(سخنرانی آیت الله خمینی در روز ۲۷ آذر ۵۹)

بنابراین برای "جهاد دانشگاهی" تردیسی در نابودی کامل این "مراکز مصیبت" نمی ماند. آنچه "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهاد دانشگاهی" تاکنون کرده اند و کامیاب اولیهای که در جهت "انقلاب فرهنگی" برداشته اند، صرفاً مقدمه ای برای برنامه ی دراز مدت و طولانی نابودی دانشگاهها بوده است.

از سوی دیگر، دانشگاهیان مترقیسی در مقابل این تهاجم ساکت ننشسته و از همان ابتدا مقاومت در برابر این حرکت ارتجاعی را آغاز کردند. تشکلهای دانشگاهیان گسترش یافت. کانونهای مترقی، مستقل و متعهد استادان در بسیاری از مؤسسات آموزش

امروز شعار بازگشایی دانشگاه کهنه در هفت ماه گذشته محور مبارزات دانشگاهیان مترقی را تشکیل میداد، یکی از شعارهای مرم روز بدل گشته است.

قریب به ۹ ماه پیش، چاقداران و جیره - خواران ارتجاع تحت پوشش شعار "انقلاب فرهنگی" هجوم گسترده و سرتاسری خود به دانشگاهها را آغاز کردند و با کشتار، مجوزع کردن و بسته بند کشیدن صدها دانشجو و استاد، دانشگاهها را برای مدت نامعلومی به تعطیل گشاندند.

دانشگاهها که در دوران مبارزات ضد رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، سنگر آزادی و آزادیخواهی بود، و در سرنوشتی شاه نیسز نقش مهمی داشتند، پس از بقدرت رسیدن حاکمان جدید، همچنان بصورت یکی از مراکز مبارزه و محل تجمع نیروهایی که خواهان حفظ مناقع زحمتکشان بودند، باقی ماندند. دانشگاه به مرکزی برای دفاع از حقوق و حمتکشان و خلقیای تخت ستم درآمد. شوراها ی دانشجویی - استادی - کارمندی آشکارا علیه خواست رژیم، برای بزیر مهمیز کشیدن این سنگر مقاومت، ایستادگی می کردند.

بنابراین طبیعی بود که کوش همه جانبه و گسترده ای برای سرکوب نیروهای چپ و انقلابی از دانشگاه آغاز شود.

اول اردیبهشت ۱۳۵۹، این حرکت ارتجاعی آغاز شد. سردمداران جمهوری اسلامی از آغاز این هجوم وحتیانه به دانشگاهها، ادعا میکردند که می خواهند با برنامه ای انقلابی و اسلامی دانشگاهها را از لوٹ وجود ایدی وابسته به امپریالیسم پاک کرده و غبار فرهنگ غربیسی را از چهره ی این مؤسسات آموزشی بزدا یند.

اما مروری بر آنچه در هفت ماه گذشته، بر دانشگاهها و مدارین عالی کشور گذشته است بیش از پیش ابعاد گسترده ی دروغین بودن این ادعا را ثابت می کند.

در ابتدای امر برای انجام این مهم هیئتی هفت نفره بنام "ستاد انقلاب فرهنگی" انتخاب شد تا برنامه ی انقلاب فرهنگی را تدوین کند. "ستاد انقلاب فرهنگی" اما که قصد از تشکیل آن فقط حفظ ظاهر برای نشان دادن "جدیت" رژیم در امر "انقلاب فرهنگی" بود، بعد از چند جلسه و مفادیری خط و نشان کشیدن، و بخشهای بی سرو ته در ضرورت "انقلاب فرهنگی" و مذمت

منتشر شده اند.

مبارزات دانشگاهیان مترقی در ماههای گذشته عمدتاً عبارت بوده اند از: مبارزه برای حفظ استقلال دانشگاهها، دفاع از زندان-نیان سیاسی دانشگاهها با اعتراض به عملکرد و مقاومت در برابر خرابکاریهای "جهنسساز دانشگاهی" از جمله مصون داشتن آزمایشگاهها، کتابخانهها و ساختمانهای آموزشی، تحریم "جهاد دانشگاهی"، نفی روسای انتصابی از سوی "جهاد دانشگاهی" و "ستاد انقلاب فرهنگی"، افشای عناصر ساواک و وابسته به رژیم سابق که هنوز در دانشگاهها فعالیت میکنند و مبارزه علیه تصفیه عقیدتی عناصر مترقی در دانشگاهها، مبارزه برای احقاق حقوق صنفی دانشگاهیان، پشتیبانی از طرحهای مترقی برای ادغام دانشگاهها در جهت پهنه خدمت گرفتن بهتر امکانات آموزشی برای بسالاه بردن کیفیت آموزش و تقلیل مخارج و بالاخره حرکت در جهت تغییرات در دانشگاهها و قرار گرفتن آنها در خدمت زحمتکشان.

بدیهی است که انجام هر یک از وظایف که بر عهده دانشگاهیان مترقی قرار گرفته، بسته بودن دانشگاهها و در نتیجه بستن شرکت مستقیم و خلاق دانشجویان با مشکلات فراوانی توأم بوده است. با این وجود، آنها موفق شده اند دانشگاه را بعنوان سنگری تسخیرناپذیر برای مبارزه حفظ کنند.

با رشد ناراضی در بین اقشار وسیعی از مردم که ناشی از وضعیت ناپسند اقتصاد، سرکوب هرگونه صدای حق طلبی، و درماندگی صاحبان قدرت در اجرای وعده و وعیدهای خود، باعث گشته تا بخشهایی از هیات حاکمه برای تحقق رویای قبضه کردن قدرت، و برای سوار شدن بر روی این موج ناراضی، زرمسدهای بازگشایی دانشگاهها را سر دهند. بنی صدر که در پی هجوم قداره پندان و اوپاش حزب الهی بر دوش آنان و با سلام و صلوات وارد دانشگاه شده و لقب "فاتح دانشگاه" را از آن خود کرد، اینبار برای از میدان بدر کردن حریف، قصد دارد بار دیگر با استفاده از جو ناراضی تشبیت قدرت خود، قهرمان "بازگشایی دانشگاهها" شود. روزی نامه هایی که تا دیروز در مدح انقلاب فرهنگی سخن پردازی میکردند، امروز سرمقاله های خود را به بازگشایی دانشگاهها اختصاص میدهند و "بزرگان قوم" که دستشان به خون دانشگاهیان آغشته است، در مورد مضرات ادامه تعطیل دانشگاهها - مرثیه سرایی می کنند و خود را عاشق و شیفته علم و دانش می نمایند.

توجه به مجموعه این شرایط، ضروری میسازد که نیروهای چپ و انقلابی صرفاً به تحریم "جهاد دانشگاهی"، دفاع از حقوق خود و یا افشای "ستاد انقلاب فرهنگی" اکتفا نکنند. زیرا در این صورت بیم آن میرود که مدافعین مغرض و ارتجاعی "بازگشایی" بتوانند

موقتاً در ضربه زدن به نیروهای مترقی در دانشگاهها موفق گردند. از جانب دیگر آقای بنی صدر و بسیاری دیگر از مدافعین بازگشایی از قماش ایشان خواستار بازگشایی دانشگاهی هستند که در خدمت امپال آنان باشد. دانشگاهی هی عاری از حرکات مترقی و عناصر انقلابی، دانشگاهی سرکوب شده و سترون.

اما نیروهای چپ که طالب دانشگاهی هستند که توسط شوراها انتخابی اداره شود، که در آن تصفیه عقیدتی صورت نگیرد، در آن عناصر وابسته به ارتجاع و امپریالیسم حضور نداشته باشند، دانشگاهی مستقل و در خدمت زحمتکشان، باید خود را شعار "بازگشایی دانشگاهها" را با محتوایی که خود برای آن قایلند مطرح نمایند. واقعیت اینست که نیروهای چپ حتی پس از باز شدن دانشگاهها، مبارزات سختی را برای به اجرا در آوردن برنامه های انقلابی در پیش خواهند داشت. بنابراین اگر دانشگاهها باز شود و نیروهای چپ در این امر شرکت مستقیم نداشته باشند، در ادامه مبارزه با مشکلات زیادی روبرو خواهند بود.

مبارزه برای بازگشایی فوری دانشگاهها یکی از خواسته های دموکراتیک است که امروزه در دستور کار نیروهای چپ و انقلابی قرار دارد. مبارزه با "لیبرالیسم" نه در فرار از مبارزه دموکراتیک بلکه با شرکت در مبارزه و بدست گرفتن هژمونی مبارزات دموکراتیک میسر است. باید در جریان مبارزه، با طرح شعارهای مترقی نه تنها اعتماد توده ها را جلب کرد، بلکه مبارزات آنان را جهت داده و در نهایت سدی تسخیرناپذیر بر علیه ارتجاع قائلان و "لیبرال" ایجاد کرد.

بنابراین خواست "بازگشایی" باید بعنوان یکی از شعارهای میرم روز در برنامه مبارزاتی نیروهای چپ قرار گیرد. ارتجاع پسنورش سرتاسری بر دانشگاهها آورده است، و تنها در همان سطح شکست پذیر است.

## رفقای هوادار!

## هموطنان مبارز!

سازمان ما برای پیشبرد برنامه های مبارزاتی خود احتیاج میرم بسهم کمکهای مالی شما دارد. کمکهای مالی خود را، هر چقدر هم که نا چیز باشد، از هر طریق که میتوانید به ما برسانید.

# کشایش دانشگاه، این سنگر آزادی، بنفع زحمتکشان،

علیه امپریالیسم